

## مقایسه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، احساس تنهایی و انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم

### A Comparison between the Early Maladaptive Schemas, Feeling Loneliness and Types of Love in Married Male University Students and Seminary Students in Qom Province

مهدی شاکری / کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت (نویسنده مسئول)  
سیدمحمدرضا موسوی نسب کرمانی / استادیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

Mahdi Shakeri (corresponding author), an MA in Counseling and Guidance, the Academic Institute for Ethics and Education, Qom, Iran. Email: mahdiyar.shakery@gmail.com

Mohammad Reza Mousavi Nasab Kermani, an assistant professor in educational sciences, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran. Email: smrmn1346@gmail.com

#### Abstract

The present study aims at a comparison between the initial maladaptive schemas, feeling loneliness and types of love in married male students of university and seminary schools in Qom province. The study is of descriptive-survey type and the statistical population consisted of 100 seminary students in high levels in al-Hadi school. Similarly, the population included 1645 married male students in Faculty of Humanities in Islamic Azad University of Pardisan. The statistical sample of the study based on the Cochran formula for determining sample size consisted of 80 seminary students and 312 university students. The sampling method was available sampling one. The tool for gathering data included Sternberg's Triangular Love Scale (1994); Russell, Peplau and Cutrona Loneliness Scale (1980); and Young's Early Maladaptive

#### چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، احساس تنهایی و انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم است. این پژوهش، از نوع توصیفی-پیمایشی است. از میان طلاب متأهل مشغول به تحصیل در سطوح عالی و خارج مدرسه علمیه الهادی استان قم به تعداد ۱۰۰ نفر و همچنین دانشجویان متأهل مرد در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد (واحد پردیسان) به تعداد ۱۶۴۵، براساس فرمول تعیین حجم کوکران، طلاب ۸۰ نفر و دانشجویان ۳۱۲ نفر به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش، فرم کوتاه پرسش‌نامه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه یانگ، پرسش‌نامه عشق مثلثی استنبرگ و پرسش‌نامه احساس تنهایی بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها

Schemas Questionnaire (1995). For statistical analysis of the data, the parameters and methods of descriptive and inferential statistics were used. The findings showed that there is a meaningful difference in early maladaptive schemas between married male students in seminary and university; the university students had a higher mean in early maladaptive schemas.

**Keywords:** early maladaptive schemas, feeling loneliness, types of love, seminary students, university students.

از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که دانشجویان از لحاظ روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه به طور کلی میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند. همچنین این گروه، از لحاظ احساس تنهایی و بعد شوق در میان ابعاد سه‌گانه عشق، میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند.

**کلیدواژه‌ها:** روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، احساس تنهایی، انواع عشق، طلاب، دانشجویان.

## مقدمه

پیوستار زندگی روانی آدمی، دگرگونی‌ها و عوامل تأثیرگذار در آن مسئله‌ای است که مدت‌هاست ذهن کنجکا و آدمی را به خود مشغول ساخته است. یکی از این عوامل مؤثر، روان‌بنه‌ها و به‌ویژه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه است. بررسی‌های پژوهشگر در جلسات مشاوره با زوجینی که برای حل اختلافات خود مراجعه کرده بودند، نشان می‌دهد که روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه پیش‌بینی‌کننده ناسازگاری بین فردی و تبیین‌کننده بسیاری از اختلالات روانی و شخصیتی می‌باشند و آسیب‌پذیری خاصی را برای انواع آشفتگی‌های روان‌شناختی ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، عامل مهم و مکانیزم تأثیرگذاری آن در زندگی، دوران تحصیل در دانشگاه یا حوزه نیز، زمانی است که زندگی فرد تغییر می‌کند. بسیاری از طلاب یا دانشجویان شاید برای نخستین بار است که از اعضای خانواده و حمایت اجتماعی و عاطفی آنها دور می‌شوند. مشاهدات عینی پژوهشگر نشان می‌دهد، عده‌ای چون خانه و دوستان نزدیک را ترک کرده‌اند، حالت‌هایی از احساس شک، سردرگمی و اضطراب را تجربه کرده‌اند. از سوی دیگر، مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که عشق به‌عنوان یک پدیده روانی مهم، پیش‌بینی‌کننده شادکامی، رضایت و هیجان‌های مثبت است (رفیعی‌نیا و اصغری، ۱۳۸۶).

این نسبت‌ها بر اهمیت موضوع این تحقیق و مقایسه متغیرهای آن در بین دو گروه انتخاب شده می‌افزاید؛ چرا که طلاب و دانشجویان، دو قشر بسیار مهم از گروه‌های جمعیتی هستند که باید در آینده با آموزش‌های علمی و تربیتی فرا گرفته شده، برای بارور کردن ذهن‌های سرآمد و خلاق در سطح جامعه تلاش نمایند و آسیب‌های زندگی روانی آحاد جامعه را تقلیل دهند. اهمیت این نوع از تحقیقات، پژوهشگران را به بررسی متغیرهای دیگری در میان دو گروه یادشده سوق داده است که نتایج آنها حاکی از تفاوت معناداری بین جامعه آماری این پژوهش بوده است. برای مثال، رسولی و سلطانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان داده‌اند جهت‌گیری مذهبی طلاب بالاتر از دانشجویان است. آنها همچنین ثابت کرده‌اند عمل به باورهای دینی در میان طلاب به طور معناداری بیشتر از عمل به باورهای دینی در دانشجویان است. براین اساس، انسان متدین نه تنها در ساحت‌های اعتقادی، بلکه در تمام ساحت‌های روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی از کارآمدی دین تأثیر پذیرفته است (رهنمایی، ۱۳۸۸). در این راستا می‌توان چنین ادعا کرد که زی‌طلبگی و فضای آموزشی و تربیتی متفاوت آنها، موجب می‌شود نوعی تغییر در نظام زندگی و در نتیجه، شاخص‌های روانی افراد چون متغیرهای پژوهش حاضر ایجاد شود. براین اساس، مطالعه و مقایسه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، احساس تنهایی و انواع عشق در میان طلاب و دانشجویان، لازم و ضروری است.

واژه «روان‌بنه» یا «اسکیما» به طور کلی به عنوان ساختار، قالب یا الگو تعریف می‌شود. روان‌بنه شامل یک بسته حافظه‌ای است که محتوای آن را آموزه‌های فرد در طول زمان شکل می‌دهند. باید توجه داشت که در روند پدیدآیی روان‌بنه‌ها عواملی مثل بنیادهای زیستی فرد و عوامل مربوط به محیط تربیتی او مثل محیط خانواده، فرهنگ، تجارب وی در فرایند رشد، رخدادهای بزرگ و... تأثیر می‌گذارند. به نظر اندیشمندان در این زمینه، این بسته حافظه‌ای مثل یک فیلتر بزرگ و پیچیده بر سر راه اطلاعات ورودی به حافظه و همچنین اطلاعات موجود در حافظه، عمل کرده و با سرند، دسته‌بندی و سازمان‌دهی، شکل‌گیری معانی جدید را در ذهن ممکن می‌سازد (یانگ، ۲۰۱۱).

یانگ معتقد است: روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه قدیمی‌ترین مؤلفه‌های شناختی و باورها و احساسات غیرشرطی درباره خودمان هستند و از تعامل خلق و خوی فطری کودک با تجارب ناکارآمد

او با والدین، خواهر و برادرها و همسالان در طی سال های اولیه زندگی به وجود می آید (یانگ، ۲۰۱۱). روان بنه های ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن جای گرفته اند و در سیر زندگی تکرار می شوند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). روان بنه ها حاصل گفت و گوی والدین با کودک هستند که به تدریج در ذهن او جای گرفته اند و هم اکنون به گونه ای نظام مند، اما ناکارآمد زندگی وی را زیر سیطره خود گرفته اند. روان بنه های ناسازگار به عنوان زیرساخت های شناختی منجر به تشکیل باورهای غیرمنطقی و دارای مؤلفه های شناختی، عاطفی و رفتاری هستند (یانگ، ۲۰۰۳).

از نظر یانگ (۲۰۱۱)، خصوصیات روان بنه های ناسازگار، عبارتند از:

- باورها و احساس های غیرشرطی، درباره خودمان هستند و در اثر ارتباط با محیط ایجاد شده اند.
- خودتداوم بخش<sup>۱</sup> هستند و بنابراین در برابر تغییر مقاومت می کنند.
- طبق تعریف، باید به صورت مکرر و به میزان زیادی، ناکارآمد باشند.
- معمولاً توسط رویدادهایی در محیط فعال می شوند که به روان بنه های خاصی مربوط می باشند.
- نسبت به مفروضه های زیربنایی، رابطه نزدیک تری با سطوح بالای عاطفه دارند.
- از تعامل سرشت فطری کودک، با تجربه های ناکارآمد او با والدین، خواهر و برادرها و همسالان، در طی سال های اولیه زندگی، به وجود می آیند (یانگ، ۲۰۱۱).

### حوزه های روان بنه های ناسازگار اولیه

روان بنه های ناسازگار اولیه در رابطه با پنج تکلیف تحولی اساسی به وجود می آیند که کودک برای رشد سالم باید این تکالیف را در رابطه با والدین و محیط پشت سر گذارد. چنانچه هر کدام از این تکالیف انجام نشود، فرد در عملکردش در یک یا چند حوزه از این طرح و راه ها مشکل پیدا می کند. به طور کلی می توان بر طبق پنج نیاز هیجانی ارضاء نشده هجده روان بنه ناسازگار اولیه را در پنج حوزه قرار دارد (هوفارت و همکاران، ۲۰۰۵).

### - حوزه اول: بریدگی<sup>۲</sup> و طرد<sup>۳</sup>

بیمارانی که روان بنه هایشان در این حوزه قرار دارد، نمی توانند دلبستگی های ایمن و

1. Self-Perpetuating  
2. Disconnection  
3. Rejection

رضایت بخشی با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند: نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد. خانواده‌های اصلی معمولاً بی‌ثبات (رها شدگی / بی‌ثباتی)، بدرفتار (بی‌اعتمادی / بدرفتاری) سرد و بی‌عاطفه (محرومیت هیجانی)، طردکننده (نقص / شرم) یا منزوی (انزوای اجتماعی / بیگانگی) هستند (راجیکور و برگ، ۲۰۰۶).

### - حوزه دوم: خودگردانی و عملکرد مختل<sup>۲</sup>

انتظاراتی که فرد از خود و محیط دارد با توانایی‌های محسوس او برای جدایی، بقاء و عملکرد مستقل یا انجام موفقیت‌آمیز کارها تداخل می‌کنند (کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷).

### - حوزه سوم: محدودیت‌های مختل<sup>۳</sup>

نقص در محدودیت‌های درونی، احساس مسئولیت در قبال دیگران یا جهت‌گیری نسبت به اهداف بلندمدت زندگی. این روان‌بنده‌ها منجر به بروز مشکلاتی در رابطه با رعایت حقوق دیگران، همکاری با دیگران، تعهد یا هدف‌گزینی و رسیدن به اهداف واقع‌بینانه می‌شود (همان).

### - حوزه چهارم: دیگر جهت‌مندی<sup>۴</sup>

تمرکز افراطی بر تمایلات، احساسات و پاسخ‌های دیگران به گونه‌ای که نیازهای خود فرد نادیده گرفته می‌شود. این کار برای دریافت عشق و پذیرش، تداوم ارتباط با دیگران یا اجتناب از انتقام و تلافی صورت می‌گیرد. در این روان‌بنده‌ها، فرد معمولاً هیجانانگیز و تمایلات طبیعی خود را واپس می‌زند و نسبت به آنها ناآگاه است (هریسیس و سرتین، ۲۰۰۲).

### - حوزه پنجم: گوش به زنگی بیش از حد و بازداری<sup>۵</sup>

تأکید افراطی بر واپس‌زنی احساسات، تکانه‌ها و انتخاب‌های خودانگیخته فرد یا برآورده ساختن قواعد و انتظارات انعطاف‌ناپذیر و درونی‌شده دربارهٔ عملکرد و رفتار اخلاقی که اغلب منجر به از بین رفتن خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش خاطر، روابط نزدیک و سلامتی می‌شود (تاک، ۲۰۰۶). یکی دیگر از سازه‌های پیچیده روان‌شناختی که از زمان فلاسفه مورد بحث بوده، احساس

1. Alination

2. Impaired Autonomy and Performance

3. Impaired Limits

4. Other – Directedness

5. Overvigilance/Inhibition

تنهایی است. در آن زمان احساس تنهایی یک مفهوم مثبت به معنای کناره‌گیری داوطلبانه فرد از درگیری‌های روزمره زندگی برای رسیدن به هدف‌های بالاتر (مانند تعمق و ارتباط با خداوند) تلقی می‌شود. اما امروزه در متون روان‌شناختی به احساس تنهایی مثبت پرداخته نمی‌شود، بلکه حالتی در نظر می‌گیرند که در آن فرد فقدان روابط با دیگران را ادراک یا تجربه می‌کند و شامل عناصر اصلی و مهمی مانند احساس نامطلوب فقدان یا از دست دادن همدم، جنبه‌های ناخوشایند و منفی روابط از دست رفته و از دست دادن سطح کیفی روابط با دیگری است (رحیم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰).

روان‌شناسان تعاریف مختلفی از احساس تنهایی ارائه کرده‌اند. از جمله اینکه احساس تنهایی: حاصل محروم ماندن از نیازهای اساسی بشر به صمیمت است (گردونی، ۱۳۸۹).  
 - تجربه عاطفی دردناک ترس‌آور عام و خطیری که پیامدهای آسیب‌شناسی و روانی گسترده‌ای دارد (مشایخ، ۱۳۸۲).  
 - یک احساس ذهنی غمگین، ناشی از نارضایتی از تجارب اجتماعی است (یانگ بیلد، بلسکی، ۱۹۹۹، به نقل از: مشایخ، ۱۳۸۲).  
 - ناهمخوانی بین سطح تماس اجتماعی مطلوب فرد با سطحی است که عملاً کسب کرده است (پیلانو، ۱۹۸۲، به نقل از: مشایخ، ۱۳۸۲).

### خصوصیات افراد دارای احساس تنهایی

بررسی‌های موجود نشان داده‌اند که افراد دارای احساس تنهایی دارای خصوصیات هستند که از آن جمله می‌توان به رضایت و شادکامی اندک، عزت نفس پایین، از خودبیگانگی، احساس خجالت، دل‌تنگی، احساس خلأ، کمی جاذبه، خودداری از ارتباطات اجتماعی، دوستان اندک، بدبینی، ناتوانی در ابراز خود، دیگرگریزی و درون‌گرایی اشاره کرد. بر اساس تحقیقات، احساس تنهایی با اختلالاتی مانند افسردگی، عزت نفس پایین، افکار خودکشی، رضایت پایین از زندگی و گوشه‌گیری اجتماعی، فعالیت جسمانی محدود، فقدان سلامت ذهنی و بدبینی مرتبط است (نوری‌ثمرین و نرگسی، ۱۳۹۲).

متغیر دیگر این پژوهش، انواع عشق است. «عشق» در لغت ریشه در «عَشَقَ» دارد. در عربی (العشق) أي: الإفراط في المحبة (القیومی، ۱۴۲۵). مراد از این واژه در فارسی، گیاهی است که به آن پیچک می‌گویند که به هر چیز برسد دور آن می‌پیچد. وقتی چنین حالتی در انسان

هم پیدا می‌شود، اثرش این است که برخلاف محبت عادی انسان را از حالت عادی خارج می‌کند، خواب و خوراک را از او می‌گیرد و توجه را منحصر به همان معشوق می‌کند (منصور نژاد، ۱۳۸۱، ص ۲۸). واژه عشق در قرآن ذکر نشده است، اما از واژه‌های ذکر شده واژه حب و مشتقات آن است که اگر عشق به محبت شدید معنا شود، چنین معنایی در آیه ۱۶۵ سوره مبارکه بقره، منعکس شده است. تا قبل از ظهور علم روان‌شناسی، عشق در شاخه فلسفه و عرفان تعریف می‌شد و معمولاً فلاسفه و عرفا، عشق را در دو سطح پست و عالی در نظر می‌گرفته‌اند و عناوینی همانند عشق حقیقی و مجازی، آسمانی و زمینی، ممدوح و مذموم به کار می‌بردند (پاتو، ۱۳۸۱).

با ظهور روان‌شناسی، عشق وارد موضوعات قابل بحث در روان‌شناسی شد (هاتفیلد و ریپسون ۲۰۱۰). در روان‌شناسی، اولین دیدگاه نظریه پرداز که به این زمینه علاقه نشان داد، روان‌تحلیل‌گری بود. درحالی‌که این دیدگاه و دیدگاه‌های روان‌شناسی بالینی به طور مرتب مسئله عشق را مورد بررسی و کنکاش قرار می‌داده‌اند، روان‌شناسی اجتماعی تجربی برای مدت زمان طولانی در به‌کارگیری موضوع عشق به‌عنوان یکی از موضوع‌های مهم و اساسی خود کوتاهی کرده است (پاتو، ۱۳۸۱).

روان‌شناسان، عشق را احساسی مثبت معرفی می‌کنند، اما در میان آنها، در مورد مفهوم عشق و انواع آن اتفاق نظر وجود ندارد. اریک فروم که به پدر عشق معروف است، عشق را پاسخی به مسئله وجودی انسان می‌داند. او در تعریف عشق می‌گوید: «عشق عبارت است از: رغبت جدی به زندگی و پرورش آنچه بدان مهر می‌ورزیم. دلسوزی و توجه، احساس مسئولیت، احترام و شناخت با هم مرتبط هستند و جوانب مختلف عشق را می‌سازند». فروم، عشق را رهایی از جدایی و تنهایی تعریف می‌کند و شکست در رسیدن به این غایت را به دیوانگی رسیدن می‌نامد (فروم، ۱۳۸۷).

در فاصله سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۹۷ دیدگاه‌هایی گوناگون همچون دیدگاه مبادله اجتماعی به عشق، دیدگاه اشتراکی، تحولی-اجتماعی، انگیزشی، روانی، سبک‌های عشق‌ورزی لی و نظریه سه‌وجهی عشق مطرح شده است. این رویکردها به دو صورت به عشق نگریسته‌اند، یا به صورت ساختاری و یا به صورت فرایندی (بورگس، ۲۰۰۴).

در نظریه‌های ساختاری به عناصر یا ابعاد عشق توجه می‌شود و در نظریه‌های فرایندی به فرایند عشق توجه می‌شود. شناخته‌شده‌ترین نظریه ساختاری که یکی از مهم‌ترین نظریه‌هاست،

نظریهٔ مثلثی عشق استرنبرگ است که به مافرصت بررسی احساس های افراد عاشق در جنبه های مختلف عشق را می دهد. مطابق با این نظریه، عشق از سه عنصر ساخته شده است. صمیمیت، تعهد، اشتیاق (همان). صمیمیت عاملی هیجانی است که به جنبهٔ عاطفی از عشق اشاره دارد و در آن فرد سرمایه گذاری های عاطفی را با شریک خود به میان می گذارد. با وجود این مؤلفه، افراد عاشق با یکدیگر ارتباط عاطفی، حمایت عاطفی، درک دوجانبه و خودافشاگری دارند. تعهد که عنصر شناختی عشق است، شامل تعهد کوتاه مدت و بلندمدت در روابط عاشقانه می باشد. اشتیاق که عامل انگیزش است، اشاره به احساسات، میل جنسی، داستان های عاشقانه، جذابیت فیزیکی دارد که انگیزه را برای گسترش روابط به وجود می آورد. با توجه به عامل اشتیاق، فرد یک شریک را به دیگران ترجیح می دهد. این امر خود نشان دهندهٔ ارتباط اشتیاق با دلبستگی است که فرد عاشق دلبستگی به یک معشوق را به دیگران ترجیح می دهد و آن را با دیگری جایگزین نمی کند. سرانجام اینکه افراد عاشق هنگام جدایی از معشوق به صورت عاطفی احساس اضطراب می کنند (استرنبرگ، ۱۹۹۱).

از نحوهٔ ترکیب سه بُعد عشق با یکدیگر، هشت حالت از عشق به وجود می آید که عبارت اند از:  
**- فقدان عشق:** زمانی است که ابعاد سه گانهٔ عشق در روابط افراد بسیار کم رنگ است یا اصلاً وجود ندارد؛ مثل بسیاری از روابط رسمی که افراد در ارتباط با یکدیگر دارند.

**- مهر و علاقه:** زمانی است که فقط عامل صمیمیت وجود داشته باشد و از دو بُعد دیگر خبری نیست یا کم رنگ است. در این حالت احساس دل سوزی، رفاقت، گرمی، نزدیکی و دیگر هیجانات مثبت وجود دارد، اما احساس شوریدگی، شهوانی بودن و تعهد وجود ندارد.

**- دل باختگی:** در این وضعیت یا در این نوع عشق بُعد شوریدگی بر روابط افراد یا احساس یک فرد نسبت به فرد دیگر حاکم است. یک حالت شدید شیدایی است که در آن فرد به شدت و افراطی مجذوب دیگری شده، درحالی که خبری از تعهد و صمیمیت وجود ندارد و وسواس گونه از او فرد ایدئالی می سازد، در این نوع عشق درجه بالایی از برانگیختگی فیزیولوژی و روانی وجود دارد. این نوع عشق با وصول به معشوق به شدت پایان می پذیرد و ممکن است به تنفر تبدیل شود.

**- عشق تهی:** در این نوع عشق فقط بُعد تعهد وجود دارد و سایر ابعاد وجود ندارد یا بسیار کم رنگ است. این نوع عشق در روابط پایدار که در آن انسان ها دارای رابطهٔ عاطفی طولانی مدت متقابل هستند و یا آن قدر با هم مانده اند که به همدیگر عادت کرده اند و یا به



علت ترس از بی‌پناهی و بی‌کسی، به وجود می‌آید (همان).

– **عشق آرمانی:** این نوع عشق ترکیبی از صمیمیت و شوریدگی است. عشق بر اساس جذابیت فیزیکی و عاطفی است. نوعی احساس قربانیت، نزدیکی و پیوند بین دو زوج است. در این نوع عشق اعتماد بسیار بالایی نسبت به همسر وجود دارد، به لحاظ عاطفی به شدت به او نزدیک است. در این حالت، خودافشایی بسیار بالاست، شخص بدون ترس از طرد شدن، عقاید و افکار خود را با همسرش در میان می‌گذارد و زمانی که افکار و احساسات خود را برای طرف مقابل ابراز می‌دارد، حالت شوریدگی را در اوج خود تجربه می‌کند. در عین حال، به دلیل نداشتن بینش و تعهد، امکان تداوم این عشق اندک است و در صورتی که رابطه به علت نیازهای زوجین تداوم یابد به مرور زمان تعهد در روابط آنها به وجود آید.

– **عشق رفاقتی:** این نوع عشق ترکیبی از صمیمیت و تعهد است. یک رابطه‌ی دوستانه پایدار، بلندمدت و متعهدانه که همراه با مقدار زیادی صمیمیت است. در این نوع عشق، تصمیم بر آن است که همسرش را دوست داشته و به باقی ماندن با او متعهد باشد. این نوع عشق همراه با بهترین روابط دوستانه است که رفتار جنسی در آن نیست یا خیلی کم‌رنگ است و رفتار عطوفت‌ورزانه در آن دیده نمی‌شود. بسیاری از عشق‌های آرمانی که به درازا بکشد و پایدار شود، تبدیل به عشق رفاقت‌آمیز خواهد شد. این نوع عشق بین دو همکار که سال‌ها با همدیگر کار کرده‌اند یا بین یک زوج که دارای فرزندانی هستند، مشاهده می‌شود.

– **عشق ابلهانه:** این نوع عشق ترکیبی از شوریدگی و تعهد است. آنها صرفاً بر اساس حالت شوریدگی نسبت به هم متعهد هستند و رابطه‌ی عاطفی عمیق با همدیگر ندارند. این حالت گردبادی از هیجانات است که زود فروکش می‌کند (استرنبرگ، ۱۹۸۷).  
استرنبرگ می‌گوید: افراد در این حالت در نگاه اول عاشق یکدیگر می‌شوند و خیلی زود بدون آنکه همدیگر را بشناسند به داشتن یک رابطه‌ی طولانی متعهد می‌گردند. این عشق خیلی شدید و وسواس‌گونه است.

– **عشق کامل:** این عشق ترکیبی از سه حالت صمیمیت، شوریدگی و تعهد است. در این حالت، فرد همسر خود را به عنوان یک انسان دوست دارد و به او احترام می‌گذارد، به او متعهد است و از طریق برقراری ارتباط درست با او احساس نزدیکی می‌کند و با او رفتار دوستانه، رفاقت‌آمیز، محبت‌آمیز و مراقبت‌آمیز دارد. روابط جنسی همراه با تعهد به وفاداری و اوج لذت بدون احساس گناه تجربه می‌شود (همان).

با توجه به مطالب ذکر شده و نظر به تأثیر عمیق و قدرتمند متغیرهای این پژوهش، در رشد یا عدم رشد هیجانی و اجتماعی، بهداشت روانی، رضایت از زندگی زناشویی و شادکامی افراد، این پژوهش به دنبال مقایسه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، احساس تنهایی و انواع عشق در میان طلاب و دانشجویان است. پژوهشگر به دنبال بررسی این فرضیه است که بین مردان متأهل طلبه و دانشجو از نظر روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، احساس تنهایی و انواع عشق، اختلاف معناداری وجود دارد.

### روش پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به توصیف شرایط موجود خواهد پرداخت، پس از نوع تحقیقات توصیفی است و از آنجاکه به مقایسه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، احساس تنهایی و انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم می‌پردازد، با توجه به ماهیت موضوع و هدف، تحقیقی کاربردی است. همچنین از لحاظ روش پژوهش، یک تحقیق با روش پیمایشی - زمینه‌ای محسوب می‌شود.

جامعه آماری پژوهش شامل طلاب سطوح عالی و خارج مدرسه علمیه الهادی (طرح هدایت تحصیلی طلاب) که تعداد آنان ۱۰۰ نفر می‌باشد و همچنین دانشجویان متأهل مرد دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد پردیسان که تعداد آن ۱۶۴۵ نفر است. نمونه آماری پژوهش بر اساس فرمول تعیین حجم کوکران طلاب ۸۰ نفر و دانشجویان ۳۱۲ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری در دسترس بود.

### ابزار پژوهش

**الف. مطالعات کتابخانه‌ای:** در این قسمت جهت گردآوری اطلاعات، در زمینه مبانی نظری و ادبیات پژوهش از منابع کتابخانه‌ای، مقالات و کتاب‌های مورد نیاز استفاده شده است.

**ب. تحقیقات میدانی:** در این قسمت برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از پرسش‌نامه استفاده شده است. در این پژوهش، با توجه به اطلاعات جمعیت‌شناختی به دست آمده از سه پرسش‌نامه به شرح ذیل استفاده شده است:

۱. پرسش‌نامه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF - فرم کوتاه): این پرسش‌نامه دارای ۷۵ ماده است و بر اساس یافته‌های اسمیت (۱۹۹۵)، پانزده روان‌بنه

ناسازگار اولیه را ارزیابی می‌کند. این روان‌بنده‌ها عبارت‌اند از: محرومیت هیجانی، رهاشدگی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، انزوای اجتماعی، نقص / شرم، وابستگی / بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر، خود تحول نیافته و گرفتار، اطاعت، فداکاری، بازداری عاطفی، معیارهای نامربوط، استحقاق / بزرگ‌منشی، خودکنترلی ناکافی، شکست (اندوز و حمیدپور، ۱۳۸۴). میزان آلفای کرونباخ پرسش‌نامه پژوهش ۰/۸۹۳ به دست آمده است که با توجه به بالاتر بودن آن از مقدار ۰/۷، نشان‌دهنده آن است که پرسش‌نامه پژوهش از اعتبار مناسبی برخوردار است.

**۲. پرسش‌نامه احساس تنهایی:** پرسش‌نامه احساس تنهایی توسط راسل و پیلوا و کورتونا<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۰ ساخته شد. این پرسش‌نامه شامل ۲۰ سؤال و به صورت چهار گزینه‌ای، ۱۰ جمله منفی و ۱۰ جمله مثبت است. در این پرسش‌نامه هرگز امتیاز (۱)، به ندرت امتیاز (۲)، گاهی امتیاز (۳) و همیشه امتیاز (۴) دارد، ولی امتیاز سؤالات ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۱۵، ۱۰، ۹، ۶، ۵، ۱ برعکس است؛ یعنی هرگز (۴)، به ندرت (۳)، گاهی (۲) و همیشه امتیاز (۱) را دارد. دامنه نمره‌ها بین حداقل ۲۰ و حداکثر ۸۰ است. بنابراین میانگین نمره، ۵۰ است. نمره بالاتر از میانگین بیانگر شدت بیشتر تنهایی است. اعتبار این آزمون در نسخه تجدیدنظر شده، ۷۸٪ گزارش شد. اعتبار آزمون به روش بازآزمایی توسط راسل، پیلوا و فرگوسن، ۸۹٪ گزارش شده است. این مقیاس توسط شکرکن و میردریکوند ترجمه و پس از اجرای مقدماتی و اصلاحات به کار گرفته شد (نادری، حق‌شناس، ۱۳۸۸).

میزان آلفای کرونباخ پرسش‌نامه‌های استفاده شده حاکی از آن است که مقدار آنها بالای ۰/۷ می‌باشد و نشان‌دهنده آن است که از اعتبار مناسبی برخوردار هستند.

**۳. پرسش‌نامه عشق مثلثی استرنبرگ:** این پرسش‌نامه دارای سه عنصر است که این عناصر عبارت‌اند از: صمیمیت، تعهد، شور یا شوق (شدت). این مقیاس در سال ۱۹۹۴ توسط استرنبرگ ساخته شده است (کرمی، ۱۳۸۷). هر بخش این پرسش‌نامه، ۱۵ جمله را پوشش می‌دهد. بخش اول که حاوی ۱۵ جمله است به عنصر صمیمیت می‌پردازد و بخش دوم که حاوی ۱۵ جمله است به بررسی شور و شوق (شدت) و بخش آخر هم به تعهد فرد نسبت به عشق مربوط می‌گردد. این آزمون در سال ۱۳۸۳ به فارسی ترجمه شده است (گنجی، ۱۳۹۰). در پژوهش‌های صورت‌گرفته در ایران و خارج، روایی و اعتبار پرسش‌نامه عشق

مثلی استرنبرگ در هیچ موردی کمتر از ۷۰٪ نبوده است (گنجی، ۱۳۹۰). همچنین آلفای کلی برای گروه مردان ۹۳٪ و برای گروه زنان ۹۶٪ است که بدین معنا است که اعتبار و روایی آزمون کاملاً مورد تأیید و مثبت است (کرمی، ۱۳۸۷).

روش اجرا و جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، به این صورت بود که ابتدا جهت ورود به مراکز علمی تعیین شده، معرفی‌نامه‌ای از طرف دانشگاه گرفته شد. پس از مشخص کردن افراد مورد نظر از نظر سن و تعیین تعداد آزمودنی‌ها، مجری پژوهش در محل حضور یافت و با ارائه توضیح مختصری دربارهٔ پژوهش، پرسش‌نامه در اختیار آنها قرار گرفت؛ همچنین در صورتی که در حین انجام آزمون، سؤالی برای هر یک از آزمودنی‌ها ایجاد می‌شد، آزمون‌گر به آن پاسخ می‌داد.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در بخش توصیفی از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار، جداول و نمودارهای آماری و در بخش آمار استنباطی از آزمون تی مستقل در نرم‌افزار spss استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، به توصیف نمونه آماری و داده‌های حاصل از اجرای متغیر پژوهش پرداخته شده است. بدین صورت که با شاخص‌های توصیفی (جداول توزیع فراوانی، درصد) داده‌ها و خصوصیات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها، خلاصه، تفسیر و گزارش شده است.

### توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

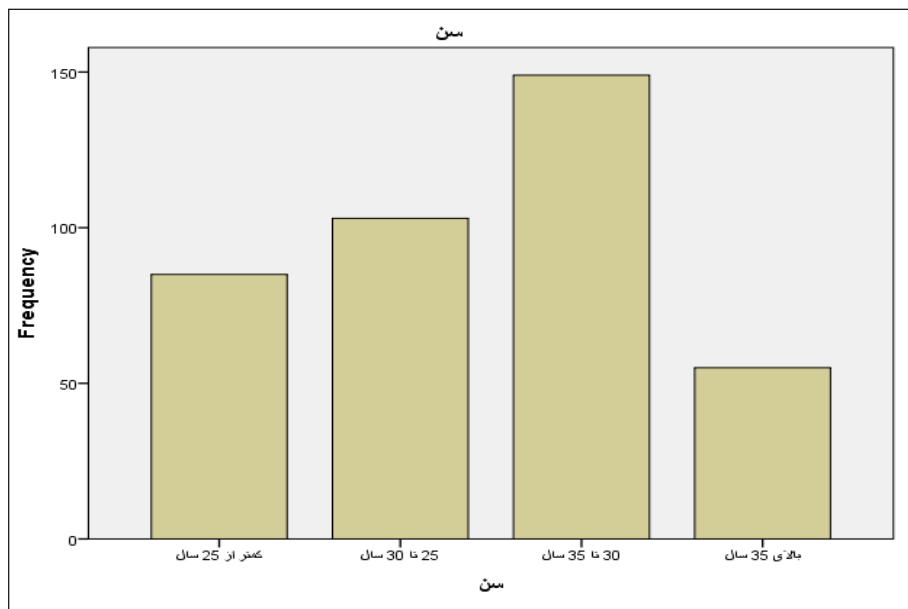
در این بخش اطلاعات مربوط به سن آزمودنی‌های نمونه مورد بررسی در قالب جداول به صورت فراوانی، درصد و نمودار ارائه شده است.

## جدول ۱. توزیع فراوانی و شاخص‌های توصیفی افراد مورد بررسی بر حسب سن

سن	شاخص	فراوانی	درصد
کمتر از ۲۵ سال		۸۵	۲۱٫۷
۲۵ تا ۳۰ سال		۱۰۳	۲۶٫۳
۳۰ تا ۳۵ سال		۱۴۹	۳۸٫۰
بالای ۳۵ سال		۵۵	۱۴٫۰
کل		۳۹۲	۱۰۰

نتایج جدول و نمودار حاکی از آن است که بیشتر افراد مورد بررسی یعنی ۳۸ درصد، ۳۰ تا ۳۵ سال و ۱۴ درصد از آنها بالای ۳۵ سال می‌باشد.

## نمودار ۱. توزیع فراوانی و شاخص‌های توصیفی افراد مورد بررسی بر حسب سن



### بررسی فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: روان بنه های ناسازگار اولیه در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم متفاوت است.

فرضیه صفر: بین روان بنه های ناسازگار اولیه در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه یک: بین روان بنه های ناسازگار اولیه در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته های جدول ۲، میانگین و انحراف استاندارد روان بنه های ناسازگار اولیه دانشجویان به ترتیب ۳/۰۸، ۴۶/۰ و میانگین و انحراف استاندارد روان بنه های ناسازگار اولیه طلاب به ترتیب ۲/۸۴ و ۳۰/۰ است.

### جدول ۲. داده های توصیفی نمرات روان بنه های ناسازگار اولیه به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
محرومیت	۳۱۲	۳,۲۸	۰/۶۴	۰/۰۳
هیجانی	۸۰	۳,۰۶	۰/۶۹	۰/۰۷
رهاشدگی	۳۱۲	۲,۹۱	۰/۷۱	۰/۰۴
بی اعتمادی	۸۰	۲,۵۹	۰/۸۶	۰/۰۹
انزوای اجتماعی	۳۱۲	۳,۰۳	۰/۷۱	۰/۰۴
نقص / شرم	۸۰	۲,۳۷	۰/۸۲	۰/۰۹
وابستگی / بی کفایتی	۳۱۲	۳,۱۱	۰/۷۷	۰/۰۴
	۸۰	۲,۳۷	۰/۶۸	۰/۰۷
	۳۱۲	۳,۲۲	۰/۷۱	۰/۰۴
	۸۰	۳,۵۳	۰/۸۸	۰/۰۹
	۳۱۲	۳,۰۷	۰/۷۰	۰/۰۳
	۸۰	۳,۳۶	۰/۸۶	۰/۰۹

۰/۰۳	۰/۶۷	۳,۱۹	۳۱۲	دانشجو	آسیب‌پذیری
۰/۰۵	۰/۴۹	۲,۷۸	۸۰	طلبه	
۰/۰۴	۰/۷۱	۳,۰۷	۳۱۲	دانشجو	خود تحول نیافته
۰/۰۶	۰/۵۹	۲,۴۴	۸۰	طلبه	
۰/۰۴	۰/۷۶	۳,۱۳	۳۱۲	دانشجو	اطاعت
۰/۰۵	۰/۵۱	۳,۳۱	۸۰	طلبه	
۰/۰۳	۰/۶۲	۳,۱۱	۳۱۲	دانشجو	فداکاری
۰/۰۶	۰/۶۱	۳,۱۰	۸۰	طلبه	
۰/۰۳	۰/۷۰	۲,۹۷	۳۱۲	دانشجو	بازداری عاطفی
۰/۰۸	۰/۷۵	۲,۹۹	۸۰	طلبه	
۰/۰۵	۰/۹۵	۲,۸۵	۳۱۲	دانشجو	معیارهای نامربوط
۰/۰۹	۰/۸۳	۲,۷۳	۸۰	طلبه	
۰/۰۴	۰/۸۱	۳,۰۶	۳۱۲	دانشجو	استحقاق
۰/۰۶	۰/۵۶	۲,۷۵	۸۰	طلبه	
۰/۰۵	۰/۹۸	۲,۷۱	۳۱۲	دانشجو	خودکنترلی ناکافی
۰/۰۸	۰/۷۸	۲,۶۱	۸۰	طلبه	
۰/۰۳	۰/۵۵	۳,۵۰	۳۱۲	دانشجو	شکست
۰/۰۷	۰/۶۶	۲,۶۵	۸۰	طلبه	
۰/۰۲	۰/۴۶	۳,۰۸	۳۱۲	دانشجو	کل
۰/۰۳	۰/۳۰	۲,۸۴	۸۰	طلبه	

با توجه به آزمون لوین، جدول ۳ برای بررسی فرض برابری واریانس‌ها، سطح معناداری روان‌بندهای ناسازگار اولیه به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو با مقدار (۶/۴۳۱) و ( $p < ۰/۰۵$ ) است. در نتیجه، فرض  $H^0$  مبنی بر برابری واریانس‌ها رد می‌شود و فرض  $H^1$  مبنی بر عدم برابری واریانس‌ها تأیید می‌شود. لذا اطلاعات به دست آمده در مورد مقایسه میانگین روان‌بندهای ناسازگار اولیه به تفکیک مردان متأهل طلبه و غیرطلبه مورد بررسی

قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه مقدار  $t$  محاسبه شده (۵/۵۴۰) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) می‌باشد، از سطح خطای (۰/۰۵) کوچک‌تر است و همچنین حد بالا و حد پایین هر دو مثبت می‌باشد، نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت میانگین دو گروه مردان متأهل طلبه و دانشجوی در مورد روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه معنادار بوده و تساوی میانگین دو جامعه رد می‌شود و می‌توان گفت که بین میانگین روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در بین مردان متأهل طلبه و دانشجوی، اختلاف معناداری وجود دارد.

### جدول ۳. آزمون $t$ برای مقایسه میانگین‌ها برای گروه‌های مستقل روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه به تفکیک مردان متأهل

آزمون مقایسه میانگین‌ها برای گروه‌های مستقل				آزمون لوین		F	سطح معناداری	T	درجه آزادی	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد حد پایین	حد بالا	
		سطح معناداری	درجه آزادی										
۰/۳۸	۰/۰۵	۰/۰۰۸	۳۹۰	۲,۶۷۰	۰/۷۳۴	۰/۱۱۵	وارینانس برابر	محرومیت هیجانی					
۰/۳۹	۰/۰۴	۰/۰۱۲	۱۱۶,۵۵۹	۲,۵۵۹			وارینانس نابرابر						
۰/۴۹	۰/۱۳	۰/۰۰۱	۳۹۰	۳,۳۷۵	۰/۰۰۱	۱۱,۵۱۳	وارینانس برابر	رهاشده					
۰/۵۲	۰/۱۰	۰/۰۰۳	۱۰۷,۶۹۴	۳,۰۰۰			وارینانس نابرابر						
۰/۸۴	۰/۴۷	۰/۰۰۰	۳۹۰	۷,۱۴۲	۰/۰۴۹	۳,۸۹۴	وارینانس برابر	بی‌اعتمادی					
۰/۸۶	۰/۴۶	۰/۰۰۰	۱۱۱,۹۹۰	۶,۶۰۱			وارینانس نابرابر						
۰/۹۲	۰/۵۴	۰/۰۰۰	۳۹۰	۷,۷۴۹	۰/۳۴۳	۰/۹۰۱	وارینانس برابر	انزوای اجتماعی					
۰/۹۰	۰/۵۶	۰/۰۰۰	۱۳۶,۳۹۰	۸,۳۶۵			وارینانس نابرابر						
-۰/۱۲	-۰/۴۹	۰/۰۰۱	۳۹۰	-۳,۲۵۱	۰/۰۰۰	۱۴,۲۸۹	وارینانس برابر	نقص / شرم					
-۰/۰۹	-۰/۵۱	۰/۰۰۵	۱۰۶,۸۰۱	-۲,۸۶۶			وارینانس نابرابر						
-۰/۱۰	-۰/۴۷	۰/۰۰۲	۳۹۰	-۳,۱۳۲	۰/۰۰۰	۱۷,۱۱۰	وارینانس برابر	وابستگی/ بی‌کفایتی					
-۰/۰۸	-۰/۴۹	۰/۰۰۷	۱۰۷,۱۰۹	-۲,۷۶۹			وارینانس نابرابر						
۰/۵۶	۰/۲۵	۰/۰۰۰	۳۹۰	۵,۰۹۵	۰/۰۱۰	۶,۶۲۶	وارینانس برابر	آسیب‌پذیری					
۰/۵۴	۰/۲۷	۰/۰۰۰	۱۶۲,۸۵۶	۶,۱۰۰			وارینانس نابرابر						
۰/۸۰	۰/۴۶	۰/۰۰۰	۳۹۰	۷,۲۸۱	۰/۳۲۱	۰/۹۸۹	وارینانس برابر	خود تحول نیافته					
۰/۷۸	۰/۴۷	۰/۰۰۰	۱۴۲,۷۱۸	۸,۰۹۱			وارینانس نابرابر						



۰/۰۱	۰/۳۶	۰/۳۸	۳۹۰	۲,۰۸۰	۰/۰۰۰	۱۵,۲۶۲	واریانس برابر	اطاعت
۰/۰۴	۰/۳۲	۰/۱۰	۱۷۹,۶۷۹	۲,۶۱۴			واریانس نابرابر	
۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۹۶۰	۳۹۰	۰/۰۵۱	۰/۷۰۱	۰/۱۴۷	واریانس برابر	فداکاری
۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۹۵۹	۱۲۴,۸۴۵	۰/۰۵۱			واریانس نابرابر	
۰/۱۶	۰/۱۹	۰/۸۶۷	۳۹۰	۰/۱۶۸	۰/۲۷۱	۱,۲۱۷	واریانس برابر	بازداری عاطفی
۰/۱۶	۰/۱۹	۰/۸۷۲	۱۱۶,۶۹۹	۰/۱۶۱			واریانس نابرابر	
۰/۳۵	۰/۱۰	۰/۲۷۸	۳۹۰	۱,۰۸۵	۰/۰۶۰	۳,۵۵۹	واریانس برابر	معیارهای نامربوط
۰/۳۴	۰/۰۸	۰/۲۴۱	۱۳۷,۵۵۱	۱,۱۷۸			واریانس نابرابر	
۰/۴۹	۰/۱۱	۰/۰۰۲	۳۹۰	۳,۱۷۲	۰/۰۲۰	۵,۴۹۵	واریانس برابر	استحقاق
۰/۴۶	۰/۱۵	۰/۰۰۰	۱۷۳,۷۵۱	۳,۹۲۳			واریانس نابرابر	
۰/۳۳	۰/۱۳	۰/۳۸۳	۳۹۰	۰/۸۷۴	۰/۰۰۴	۸,۳۵۳	واریانس برابر	خودکنترلی ناکافی
۰/۳۰	۰/۱۰	۰/۳۱۷	۱۵۱,۰۷۷	۱,۰۰۵			واریانس نابرابر	
۰/۹۸	۰/۷۰	۰/۰۰۰	۳۹۰	۱۱,۶۹۰	۰/۰۰۲	۰/۰۱۵	واریانس برابر	شکست
۱,۰۰۰	۰/۶۸	۰/۰۰۰	۱۰۸,۷۵۵	۱۰,۴۹۸			واریانس نابرابر	
۰/۳۴	۰/۱۲	۰/۰۰۰	۳۹۰	۴,۳۰۱	۰/۰۱۲	۶,۴۳۱	واریانس برابر	کل
۰/۳۲	۰/۱۵	۰/۰۰۰	۱۸۹,۷۸۷	۵,۵۴۰			واریانس نابرابر	

فرضیه دوم: احساس تنهایی در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم متفاوت است. فرضیه صفر: بین احساس تنهایی در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه یک: بین احساس تنهایی در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته های جدول ۴، میانگین و انحراف استاندارد احساس تنهایی دانشجویان به ترتیب (۲/۷۳)، (۰/۴۲) و میانگین و انحراف استاندارد احساس تنهایی طلاب به ترتیب ۲/۵۹ و ۰/۳۶ می باشد.

#### جدول ۴. داده‌های توصیفی نمرات احساس تنهایی به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجوی

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
احساس تنهایی	۳۱۲	۲,۷۳	۰/۴۲	۰/۰۲
طلبه	۸۰	۲,۵۹	۰/۳۶	۰/۰۴

با توجه به آزمون لوین، جدول ۵ برای بررسی فرض برابری واریانس‌ها سطح معناداری احساس تنهایی به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجوی با مقدار  $1/497$  و  $p > 0/05$  است. در نتیجه، فرض  $H^0$  مبنی بر برابری واریانس‌ها ( $H^0$ ) تأیید می‌شود و فرض  $H^1$  مبنی بر عدم برابری واریانس‌ها رد می‌شود. لذا اطلاعات سطر اول در مورد مقایسه میانگین احساس تنهایی به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه مقدار  $t$  محاسبه شده ( $2/783$ ) با سطح معناداری ( $0/06$ ) می‌باشد، از سطح خطای ( $0/05$ ) کوچک‌تر است و همچنین حد بالا و حد پایین هر دو مثبت می‌باشد، نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت میانگین دو گروه مردان متأهل طلبه و دانشجوی در مورد احساس تنهایی معنادار بوده و تساوی میانگین دو جامعه رد می‌شود و می‌توان گفت: بین میانگین احساس تنهایی در بین مردان متأهل طلبه و دانشجوی، اختلاف معناداری وجود دارد.

#### جدول ۵. آزمون $t$ برای مقایسه میانگین‌ها برای گروه‌های مستقل احساس تنهایی به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجوی

آزمون مقایسه میانگین‌ها برای گروه‌های مستقل			آزمون لوین			احساس تنهایی
فاصله اطمینان ۹۵ درصد	سطح معناداری ((دو دامنه	درجه آزادی	T	سطح معناداری	F	
حد پایین	حد بالا					واریانس برابر
۰/۲۴	۰/۰۴	۰/۰۰۶	۳۹۰	۲,۷۸۳	۰/۲۲۲	۱,۴۹۷
۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۰۰۳	۱۴,۳۳۵	۳,۰۶۰		واریانس نابرابر

فرضیه سوم: انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم متفاوت است.

فرضیه صفر: بین انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه یک: بین انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته‌های جدول ۶، میانگین و انحراف استاندارد انواع عشق دانشجویان به ترتیب ۳/۱۷، ۰/۴۶ و میانگین انحراف استاندارد انواع عشق طلاب به ترتیب ۳/۰۶ و ۰/۴۰ می‌باشد.

جدول ۶. داده‌های توصیفی نمرات انواع عشق به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص	
۰/۰۳	۰/۶۴	۳,۱۱	۳۱۲	دانشجو	صمیمت
۰/۰۶	۰/۵۶	۳,۲۲	۸۰	طلبه	
۰/۰۳	۰/۵۷	۳,۳۴	۳۱۲	دانشجو	شوق
۰/۰۴	۰/۴۰	۲,۶۶	۸۰	طلبه	
۰/۰۳	۰/۶۳	۳,۰۷	۳۱۲	دانشجو	تعهد
۰/۱۱	۰/۹۸	۳,۲۹	۸۰	طلبه	
۰/۰۲	۰/۴۶	۳,۱۷	۳۱۲	دانشجو	کل
۰/۰۴	۰/۴۰	۳,۰۶	۸۰	طلبه	

با توجه به آزمون لوین، جدول ۷ برای بررسی فرض برابری واریانس‌ها سطح معناداری انواع عشق به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو با مقدار (۰/۰۵۳) و  $p > ۰/۰۵$  است. در نتیجه، فرض  $H_0$  مبنی بر برابری واریانس‌ها ( $H_0$ ) تأیید می‌شود و فرض  $H_1$  مبنی بر عدم برابری واریانس‌ها رد می‌شود. لذا اطلاعات سطر اول در مورد مقایسه میانگین انواع عشق به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه مقدار  $t$  محاسبه شده (۲/۰۳۱) با سطح معناداری (۰/۰۴۳) می‌باشد، از سطح خطای (۰/۰۵) کوچک‌تر است و همچنین حد بالا و حد پایین هر دو مثبت می‌باشد، نتیجه گرفته می‌شود

که تفاوت میانگین دو گروه مردان متأهل طلبه و دانشجویان در مورد انواع عشق معنادار بوده و تساوی میانگین دو جامعه رد می شود و می توان گفت: بین میانگین انواع عشق در بین مردان متأهل طلبه و دانشجویان اختلاف معناداری وجود دارد. همچنین در ابعاد شوق تفاوت معنادار می باشد، ولی در بُعد صمیمیت و تعهد بین دانشجویان و طلاب تفاوت معنادار نمی باشد.

### جدول ۰۷. آزمون t برای مقایسه میانگین ها برای گروه های مستقل انواع عشق به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجویان

فاصله اطمینان ۹۵٪			آزمون مقایسه میانگین ها برای گروه های مستقل				آزمون لوین	
حد پایین	حد بالا	سطح معناداری	درجه آزادی	T	سطح معناداری	F		
۰/۰۴-	۰/۲۶	۰/۱۶۹	۳۹۰	-۱,۳۷۷	۰/۶۹۴	۰/۱۵۵	واریانس برابر	صمیمیت
۰/۲۵-	۰/۰۳	۰/۱۳۸	۱۳۶,۹۷۹	-۱,۴۹۱			واریانس نابرابر	
۰/۵۴	۰/۸۱	۰/۰۰۰	۳۹۰	۱۰,۰۱۷	۰/۰۰۶	۷,۷۷۵	واریانس برابر	شوق
۰/۵۷	۰/۷۸	۰/۰۰۰	۱۷۰,۹۴۳	۱۲,۲۹۱			واریانس نابرابر	
۰/۴۰-	۰/۰۴-	۰/۰۱۴	۳۹۰	-۲,۴۶۰	۰/۰۰۰	۳۸,۸۸	واریانس برابر	تعهد
۰/۴۵-	۰/۰۰۷	۰/۰۵۸	۹۶,۵۹۵	-۱,۹۱۹			واریانس نابرابر	
۰/۰۰۳	۰/۲۲	۰/۰۴۳	۳۹۰	۲,۰۳۱	۰/۸۱۹	۰/۰۵۳	واریانس برابر	کل
۰/۰۱	۰/۲۱	۰/۰۲۸	۱۳۹,۱۱۳	۲,۲۲۱			واریانس نابرابر	

## بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم متفاوت است.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که در روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه بین مردان متأهل طلبه و دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد و دانشجویان از لحاظ روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند. از سوی دیگر، در بررسی ابعاد روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه نتایج پژوهش نشان داد که دانشجویان از لحاظ ابعاد محرومیت هیجانی، رهاشدگی، بی‌اعتمادی / بد رفتاری، انزوای اجتماعی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر، خود تحول نیافته و گرفتار، استحقاق / بزرگ‌منشی و شکست، میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند. اما طلاب در سه بُعد نقص / شرم، وابستگی / بی‌کفایتی و اطاعت میانگین بیشتری نسبت به دانشجویان داشتند، ولی تفاوتی بین ابعاد خودکنترلی ناکافی، فداکاری، بازداری عاطفی، معیارهای نامربوط، در بین طلاب و دانشجویان وجود نداشت. در ادامه به توضیح اجمالی برخی از این ابعاد می‌پردازیم.

### ۱. محرومیت هیجانی<sup>۱</sup>

انتظار اینکه تمایلات و نیازهای فرد به حمایت عاطفی به اندازه کافی از جانب دیگران ارضاء نمی‌شوند. سه نوع محرومیت مهم وجود دارد که عبارت‌اند از:  
 الف. محرومیت از محبت:<sup>۲</sup> فقدان توجه، عطوفت یا همراهی؛  
 ب. محرومیت از همدلی:<sup>۳</sup> درک نشدن، به حرف دل فرد گوش ندادن، عدم خودافشایی یا در میان نگذاشتن احساسات با دیگران؛  
 ج. محرومیت از حمایت:<sup>۴</sup> نداشتن منبع قدرت، جهت‌دهی یا راهنمایی نشدن از سوی دیگران (اسکین، ۲۰۰۷).

1. Emotional Deprivation

2. Deprivation of Nurturance

3. Deprivation of Empathy

4. Deprivation of Protection

## ۲. رهاشدگی / بی‌ثباتی<sup>۱</sup>

بی‌ثباتی یا بی‌اعتمادی نسبت به دریافت محبت و برقراری ارتباط با اطرافیان، به طوری که فرد احساس می‌کند افراد مهم زندگی اش، نمی‌توانند حمایت عاطفی و تشویق لازم را به او بدهند. فردی که چنین روان‌بنه‌ای در ذهنش شکل گرفته باشد، معتقد است هر لحظه امکان دارد افراد مهم زندگی اش بمیرند یا اینکه او رارها کنند و به فرد دیگری علاقه مند شوند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۸).

## ۳. بی‌اعتمادی / بدرفتاری<sup>۲</sup>

انتظار اینکه دیگران به انسان ضربه می‌زنند، بدرفتارند، انسان را سرافکننده می‌کنند، دروغ می‌گویند و دغل‌کار و سودجو هستند. چنین انتظاری باعث می‌شود فرد وقایع پیرامون را به گونه‌ای خاص ادراک کند (اسکین، ۲۰۰۷).

## ۴. انزوای اجتماعی / بیگانگی<sup>۳</sup>

احساس اینکه، فرد از جهان کناره‌گیری کرده و با دیگران متفاوت است یا اینکه به جامعه و گروه خاصی تعلق خاطر ندارد. این روان‌بنه معمولاً از طریق تجارب اولیه کودکی به وجود می‌آید که در آن کودک می‌بیند او یا خانواده‌اش با دیگران تفاوت زیاد دارند (اسکین، ۲۰۰۷).

## ۵. آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری<sup>۴</sup>

ترس افراطی از اینکه فاجعه نزدیک است و هر لحظه وقوع آن وجود دارد و اینکه فرد نمی‌تواند از آن جلوگیری کند.

## ۶. خود تحول نیافته / گرفتار<sup>۵</sup>

فرد در این روان‌بنه ارتباط عاطفی شدید و نزدیکی بیش از حد به یکی یا چند نفر از افراد مهم زندگی خود (اغلب والدین) به قیمت از دست دادن فردیت یا رشد اجتماعی طبیعی اش دارد. غالباً اعتقاد بر این است که هیچ یک از این افراد، بدون حمایت دیگری، قادر به ادامه زندگی نبوده یا نمی‌توانند شاد باشند (آمانجی و همکاران، ۲۰۰۶).

1. Abandon

2. Mistrust/Abuse

3. Social Isolation/Alienation

4. Vulnerability to Harm of Illness

5. Enmeshment / Undeveloped Self

## ۷. استحقاق / بزرگ‌منشی<sup>۱</sup>

فردی که چنین روان‌بنده‌ای دارد، معتقد است: نسبت به دیگران یک سر و گردن بالاتر است. حقوق ویژه‌ای برای خودش قائل است و تعهدی نسبت به رعایت اصول روابط متقابل ندارد. چنین افرادی برای اینکه بتوانند کسب قدرت کنند و یا دیگران را کنترل نمایند، تمرکز افراطی بر برتری جویی (برای مثال موفق‌ترین، بااستعدادترین و ثروتمندترین شدن) دارند (والر و همکاران، ۲۰۰۱).

## ۸. شکست<sup>۲</sup>

باور به اینکه فرد شکست خورده است یا در آینده شکست خواهد خورد و اینکه شکست برای او اجتناب‌ناپذیر است. فرد در مقایسه با همسالانش در حوزه‌های پیشرفت (مثل تحصیل، شغل، ورزش و...) غالباً احساس بی‌کفایتی می‌کند (راجیکور و همکاران، ۲۰۰۶).

## ۹. نقص / شرم<sup>۳</sup>

این روان‌بنده، حساسیت بیش از حد نسبت به انتقاد، طرد، سرزنش، کم‌رویی، مقایسه‌های نابجا، احساس ناامنی در حضور دیگران و حس شرمندگی در ارتباط با عیب و نقص‌های درونی را دربر می‌گیرد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۸).

## ۱۰. وابستگی / بی‌کفایتی<sup>۴</sup>

اعتقاد به اینکه فرد نمی‌تواند مسئولیت‌های روزمره را بدون کمک قابل ملاحظه دیگران، در حد قابل قبولی انجام دهد (همان).

## ۱۱. اطاعت<sup>۵</sup>

احساس اجبار نسبت به واگذاری افراطی کنترل خود به دیگران، این کار معمولاً برای اجتناب از خشم، محرومیت، یا انتقام صورت می‌گیرد. دو نوع از مهم‌ترین اطاعت‌ها عبارت‌اند از: الف. اطاعت از نیازها: واپس‌زنی تمایلات، تصمیمات و ترجیحات شخصی؛

1. Entitlement / Grandiosity

2. Failure

3. Defectiveness / Shame

4. Dependence / Incompetence

5. Subjugation

ب. اطاعت از هیجان‌ها: واپس‌زنی هیجانات شخصی به‌ویژه خشم (ریچاردسون، ۲۰۰۵). در تبیین این یافته می‌توان گفت: مطابق نظریه میدانی لوین، رفتار به واسطه میدانی که در آن وجود دارد، شکل می‌گیرد. همچنین بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا طلاب بیشتر در معرض مشاهده و الگوبرداری از رفتارهای مذهبی قرار دارند. همچنین می‌توان گفت: باورها و اعتقادات فرد، رفتار فرد را می‌سازند و به علت اینکه طلاب در حال آموزش و پژوهش درباره دین هستند، باورهای دینی بیشتر و قوی‌تری برای رفتار دینی خود دارند. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق رسولی و سلطانی (۱۳۹۱) همسو است. آنها در پژوهش خود نشان داده‌اند، عمل به باورهای دینی در میان طلاب به‌طور معناداری بیشتر از عمل به باورهای دینی در دانشجویان است. این محققین در تبیین یافته خود اظهار داشته‌اند چون طلاب بیشتر در معرض مشاهده و الگوبرداری از رفتارهای مذهبی قرار دارند و همچنین با توجه به نظر ایلس که معتقد است: باورها و اعتقادات فرد، رفتار فرد را می‌سازد به علت اینکه طلاب در حال آموزش و پژوهش درباره دین هستند، باورهای دینی بیشتر و قوی‌تری برای اعمال و رفتار دینی دارند.

فرضیه دوم: احساس تنهایی در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم متفاوت است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در احساس تنهایی بین مردان متأهل طلبه و دانشجو، اختلاف معناداری وجود دارد و دانشجویان از لحاظ احساس تنهایی میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند. کامر (۲۰۰۵)، به پژوهش‌هایی استناد کرده و بیان می‌کند که افراد مذهبی در مقایسه با افراد غیرمذهبی، کمتر احساس تنهایی کرده و کمتر به بدبینی، افسردگی و اضطراب دچار می‌شوند. هوروییتز و همکارانش (۱۹۸۲)، جونز و همکارانش (۱۹۸۱) و استفان و همکارانش (۱۹۸۸) در طی مطالعات خود بر رابطه میان مشارکت مذهبی ضعیف و احساس تنهایی اشاره کرده‌اند و از سوی دیگر، در ارتباط با سلامت روان، یافته‌ها حاکی از آن است که افراد تنها، دسته وسیعی از احساسات منفی (مانند بی‌ارزش بودن، مطرود شدن و احساس ناخواسته بودن) را تجربه می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که مذهب به ایجاد نگرش مثبت به دنیا منجر می‌شود و فرد را در مقابل رویدادهای ناگوار زندگی مانند فقدان‌ها یا بیماری‌ها یاری می‌رساند. مذهب به زندگی فرد معنا و هدف می‌بخشد و داشتن معنا و هدف در زندگی، نشان‌دهنده سلامت روان است و به افزایش توانایی‌های فرد در انجام کارها منجر می‌شود. مذهب باعث ایجاد امید در فرد شده و این امر به نوبه خود



انگیزه و انرژی فرد را تقویت می‌کند و او را به بهتر شدن اوضاع امیدوار می‌کند. مذهب باعث برخورداری فرد از حمایت اجتماعی می‌شود و این امر به سبب ارتباط فرد با جامعه مذهبی، روحانیون و خداوند ایجاد می‌شود.

سازمان‌های مذهبی غالباً فعالیت‌های خاص را در جهت تقویت تعامل و روابط مثبت میان اعضای جامعه سازمان دهی می‌کنند و پیوند بین افراد را تقویت می‌کنند. دین با ارائه تبیین‌های معنوی در پاسخ به مسائل غایی بشر، نظامی عقیدتی را بنیان می‌نهد که به واسطه آن مؤمنان را با یکدیگر پیوند می‌دهد: عقیده به نظام معنایی و فکری واحد، مؤمنان را به کلیتی یکپارچه بدل می‌سازد. دین چهره جهان را در نزد فرد دیندار دگرگون می‌سازد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می‌دهد، فرد دیندار خود را تحت حمایت و لطف همه جانبه خداوند می‌بیند و بدین ترتیب احساس آرامش و لذت معنوی عمیقی به وی دست می‌دهد. الوین در تبیین رابطه دینداری و سلامت روان اظهار می‌کند که مذهب، ارتباط دائمی انسان با خالق هستی و اعتقاد به حضور دائمی او در لحظه‌های حساس بوده، تأثیر بسزایی در ایجاد بهداشت روانی سالم و درمان بیماری‌های جسمی و روحی دارد. هوروویتزو و همکارانش (۱۹۸۲) و استفان و همکارانش (۱۹۸۸) در مطالعات خود بر رابطه میان مشارکت مذهبی ضعیف و احساس تنهایی اشاره کرده‌اند. دین، کارکردها و مناسک جمعی آن، که به انسجام گروهی منجر شده و پیوندها، روابط شبکه‌ای و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند، با برانگیختن احساس خوشبختی و اطمینان در میان معتقدان و مؤمنان، افکار منفی را دور کرده و به تقویت حس شادی و رستگاری کمک می‌کند و از جانبی دین و دینداری رابطه انسان با خود، خداوند، دیگران و جهان هستی را تبیین کرده و مانع بیگانگی و انزوای اجتماعی اعضا و عناصر جامعه شده و به تنزل احساس تنهایی نیز می‌انجامد. رسولی و سلطانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان داده‌اند جهت‌گیری مذهبی طلاب بالاتر از دانشجویان است. آنها همچنین ثابت کرده‌اند عمل به باورهای دینی در میان طلاب به طور معناداری بیشتر از عمل به باورهای دینی در دانشجویان است. این محققین در تبیین یافته خود اظهار داشته‌اند چون طلاب بیشتر در معرض مشاهده و الگوبرداری از رفتارهای مذهبی قرار دارند و همچنین با توجه به نظر الیس که معتقد است باورها و اعتقادات فرد، رفتار فرد را می‌سازد به علت اینکه طلاب در حال آموزش و پژوهش درباره دین هستند، باورهای دینی بیشتر و قوی‌تری برای اعمال و رفتار دینی دارند.

فرضیه سوم: انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم متفاوت است.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که در بُعد شوق، بین مردان متأهل طلبه و دانشجو اختلاف معناداری وجود دارد و دانشجویان از لحاظ انواع عشق و شوق میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند. ولی در دو بُعد صمیمیت و تعهد بین دانشجویان و طلاب تفاوت معنادار نمی باشد. نتایج پژوهش با مطالعات (کرمی، ۱۳۸۷) همسو می باشد. در تبیین نتایج حاضر می توان به مبانی نظری مؤلفه های عشق استرنبرگ (۱۹۸۶) اشاره کرد، وی عقیده دارد که این اجزا در همه روابط عاشقانه به طور مساوی قرار ندارند، برخی ابعاد ممکن است پررنگ و برخی کم رنگ تر باشد، برخی سریع به وجود می آیند و سریع کم رنگ می شوند و برخی دیگر کند به وجود می آیند و پایدارتر هستند. مثلاً شوریدگی سریع به وجود می آید و سریع کاهش می یابد و کم رنگ می شود. تعهد به تدریج به وجود می آید و ثابت باقی می ماند. صمیمیت آهسته رشد می کند و برای مدتی ثابت باقی می ماند. به عقیده او موفقیت در عشق ورزی بستگی به توانایی ما در تغییر هماهنگ اجزا دارد. اما در تبیین اینکه میانگین شور و شوق عشق دانشجویان بالاتر از میانگین مؤلفه شور و شوق عشق طلاب است می توان گفت که دانشجویان بیشتر از طلاب احساس جذابیت فیزیکی همراه با کنش فیزیولوژی، جذابیت جنسی و اشتغال ذهنی مثبت نسبت به معشوق دارند. از سوی دیگر، احساس محبت و اظهار آن، علاقه، مراقبت، مسئولیت، همدلی و غمخواری نسبت به همسر در هر دو جامعه دیده می شود. از آنجاکه صمیمیت جنبه هیجانی و عاطفی دارد و نوعی احساس گرمی، محبت، نزدیکی، مرتبط بودن و در قید و بند طرف مقابل بودن در فرد ایجاد می کند این بُعد در طلاب و دانشجویان با توجه به فرهنگی که در کشور ما حاکم است، قابل پیش بینی است. از سوی دیگر، تعهد در بین طلاب و دانشجویان تفاوت قابل ملاحظه ای نداشت و می توان گفت که هر دو جامعه مورد پژوهش متعهد به این هستند که فقط با یک نفر باشند و شریک دیگری برای خود انتخاب نکنند و این ارتباط را مهم تر از ارتباط با هر فرد دیگری تلقی می کنند. علاوه بر این، در تبیین این تفاوت ها، می توان به نقش محیط و بسترهای فرهنگی، انتظارات جامعه، محتوا و رویکرد آموزشی که هر یک از این دو گروه در آن قرار دارند نیز، توجه کرد. با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاداتی ارائه می گردد:

برای زوجین و فرزندان آنها برنامه هایی آموزشی برگزار گردد؛ چرا که این کارگاه های آموزشی، می تواند ضمن آشنا ساختن خانواده ها با شیوه های مختلف فرزندپروری و آثار و پیامدهای آن، از شکل گیری روان بنه های ناسازگار اولیه پیشگیری کرده و نیز موجب

شکل دهی جهت‌گیری مذهبی درونی در زوجین و فرزندان آنها شود. با توجه به نقش مؤلفه‌های عشق در طلاب و دانشجویان متأهل، آگاه‌سازی بیشتر آنان باید در اولویت قرار گیرد تا زوجین به اهمیت و نقش مؤلفه‌های عشق پی ببرند. با توجه به مرحله گذار از ازدواج سنتی به غیرسنتی، بی‌توجهی به فرهنگ اسلامی و عدم آگاهی جوانان، گاهی روابط با اشتباهاتی همراه است. اطلاع‌رسانی و بیان اهمیت مشاوره قبل از ازدواج و نقش آن برای والدین و جوانان ضروری است. از آنجایی که مؤلفه‌های عشق، تحت تأثیر آموزش و تجربه نسبتاً قابل‌تغییرند، آموزش مستمر و فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای تجربه عشق پایدار، احساس تنهایی در موقعیت‌های آزمایشی و واقعی طلاب و دانشجویان باید در اولویت قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود این تحقیق در بین زنان نیز انجام شود و نتایج با هم مقایسه شود. پیشنهاد می‌شود بررسی تطبیقی مقایسه روان‌بندهای ناسازگار، احساس تنهایی و انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم و کشورهای خارجی انجام شود. پیشنهاد می‌شود برای درصد اطمینان بیشتر به همراه پرسش‌نامه، از سایر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات نظیر مصاحبه و مشاهده استفاده شود.

## منابع

- استرنبرگ، رابرت جی (۱۳۸۷)، مقیاس قصه عشق، ترجمه ابوالفضل کرمی، تهران، روان‌سنجی.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۸)، مباحثی در روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- امیدوار، احمد (۱۳۸۹)، روان‌شناسی کمروبی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- اندوز، زهرا و حسن حمیدپور (۱۳۸۴) بررسی رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک دلبستگی و رضایت زناشویی در زوجین، خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی در ایران، تهران.
- پاتو، مزگان (۱۳۸۱)، بررسی رابطه میان خودپنداره و نگرش‌های دانشجویان متأهل دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه تربیت مدرس نسبت به عشق در زندگی زناشویی خود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- پاپالیا، دایان ای و سالی وندکاس‌الدز، روت داسکین فلدمن (۱۳۹۱)، روان‌شناسی رشد و تحول انسان، ترجمه داوود عرب قهستانی و همکاران، تهران، رشد.
- حسین‌چاری، مسعود و محمد خیر (۱۳۸۱)، «بررسی کارایی یک مقیاس برای سنجش احساس تنهایی در دانش‌آموزان راهنمایی»، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، شماره ۳۷، ص ۵۹-۴۶.

- رفیعی‌نیا، پروین و آرزو اصغری (۱۳۸۶)، «رابطه بین انواع عشق و بهزیستی ذهنی در دانشجویان متأهل»، خانواده پژوهی، دوره سوم، شماره ۹، ص ۴۹۱-۵۰۵
- رحیم‌زاده، سوسن و حمیدرضا پورا اعتماد، علی عسگری، محمدرضا حجت (۱۳۹۰)، «مبانی مفهومی احساس تنهایی: یک مطالعه کیفی»، روان‌شناسی تحولی، دوره اول، شماره ۳۰، ص ۱۲۳-۱۴۲.
- رسولی، رویا و سمیه سلطانی‌گرد فرامرزی (۱۳۹۱)، «مقایسه و بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی با سازگاری زناشویی در طلاب و دانشجویان»، خانواده پژوهی، دوره هشتم، شماره ۴، ص ۴۳۹-۴۲۷.
- رضایی، علی محمد و مریم صفایی، فاطمه سادات هاشمی (۱۳۹۲)، «ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس احساس تنهایی دانشجویان SLFS»، روان‌شناسی بالینی، دوره پنجم، شماره ۳، ص ۲۷-۴۱.
- رهنمائی، سیداحمد (۱۳۸۸)، «پایه‌های روان‌شناختی تربیت دینی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، دوره اول، شماره ۱۷، ص ۱۰۹-۱۳۸.
- شولتز، دوان (۱۳۹۶)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی، تهران، ارسباران.
- صبور، احمد (۱۳۹۲)، رابطه اعتیاد به اینترنت با احساس تنهایی و افسردگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، تهران، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب.
- صدیق محمدی، محمد و سیدحسین سراج‌زاده (۱۳۹۰)، «مقایسه تجربی دینداری از نظر روحانیون و دانشجویان»، تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۴، ص ۲۵-۵۴.
- طهرانی، مریم و معصومه اسماعیلی، علی فتحی‌آشتیانی (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و جهت‌گیری مذهبی»، روان‌شناسی دین، سال هفتم، شماره ۳، ص ۹۳-۱۰۸.
- فرح‌بخش، کیومرث و عبدالله شفیع‌آبادی (۱۳۹۶)، «ابعاد عشق‌ورزی بر اساس نظریه سه بُعدی عشق در چهار گروه زوج‌های در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، شماره ۳۰، ص ۱-۲۰.
- فروم، اریک (۱۳۸۷)، هنر عشق ورزیدن، ترجمه پوری سلطانی، تهران، مروارید.
- فیشر، هلن (۱۳۸۸)، چرا عاشق می‌شویم؟ ترجمه آیدا ابو نصر، شیراز، نوید.
- قربانی، مریم (۱۳۸۷)، مقایسه درون‌گرایی، احساس تنهایی در دانشجویان وابسته و غیروابسته به پیامک در دانشگاه‌های شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا.
- قیصریان اسحاق، جواد و محمد زاهدی مازندرانی، مصطفی مهرآیین، امیرملکی (۱۳۹۶)، «مطالعه عشق از منظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و زبان‌شناسی، ارائه یک نظریه ترکیبی»، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، شماره ۲۸، ص ۵۵-۸۲.
- کاظم‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس احساس تنهایی و رابطه آن با کم‌رویی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر دره‌شهر استان ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

- کجباغ، محمدباقر (۱۳۹۱)، روان‌شناسی رفتار جنسی؛ نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران، روان.
- گردونی، احسان (۱۳۸۹)، رابطه مهارت‌های اجتماعی با احساس تنهایی دانش‌آموزان دخترانه و پسرانه مدارس منطقه هشت تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- مشایخ، مریم و احمد برجعلی (۱۳۸۲). «بررسی رابطه احساس تنهایی با نوع استفاده از اینترنت در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی»، تازه‌های علوم شناختی، شماره ۳، ص ۱-۱۶.
- مغربی‌القیومی، احمد بن محمد بن علی (۱۴۲۵ق)، المصباح المنیر، قم، دارالهجره.
- محقق، حسین و حسین اسکندری، علی دلاور، احمد برجعلی (۱۳۹۰)، تدوین برنامه آموزشی توانمندسازی زوجین براساس نظریه عشق استرنبرگ و تأثیر آن بر کاهش تعارض زناشویی و افزایش رضایتمندی زوجین ناخرسند شهر همدان، رساله دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدی مجد، داریو و مسعود گلچین، سیدحسین سراج‌زاده (۱۳۸۵)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس تنهایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱)، عشق زمینی، تهران، اندیشه جوان.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۰)، بهداشت روانی در عشق شورانگیز، تهران، بعثت.
- میرمحمد صادقی، مهدی (۱۳۸۸)، آموزش پیش از ازدواج، اصفهان، پیغام دانش.
- نادری، فرح و فریبا حق‌شناس (۱۳۸۸)، «رابطه تکانشگری و احساس تنهایی با میزان استفاده از تلفن همراه در دانشجویان»، یافته‌های نو در روان‌شناسی، شماره ۱۲، ص ۱۱۱-۱۲۲.
- نوری‌ثمیری، شهرام و فریده نرگسی (۱۳۹۲)، «رابطه ابعاد الکسی تیمیا با احساس تنهایی و مقایسه آنها در دانشجویان دختر و پسر»، جنتاشاپیر، شماره ۳، ص ۱۸۳-۱۹۲.
- نزهت، بهمن و علیرضا مظفری، سمیه جبارپور (۱۳۹۷)، «سیر و تطور نظریه «عشق» در آرا و اندیشه‌های عرفانی - فلسفی روزبهران و ابن‌دبّاغ»، متن پژوهی‌دبی، ۷۶، ص ۷-۳۲.
- نولن‌هوکسما، سوزان و باربارا فردریکسون، جفریو لافتس، ویلم گنار (۱۳۹۰)، زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد، ترجمه مهدی گنجی، تهران، ساولان.
- یانگ، جفری (۱۳۹۵)، شناخت درمانی اختلالات شخصیت، رویکرد طرح‌واره محور، ترجمه علی صاحبی و حسن حمیدپور. تهران، آگه.
- Amanjee, B. A. E, Crous, F, Crafford, A (2006), Towards validating a framework of aptive schemata for entrepreneurial success, SA Journal of Industrial Psychology, 32(3), p. 26-34.
- Andersson, L (1998), Loneliness research and interventions: a review of the literature, Aging & Mental Health, 2(4), p. 264-274.
- Aron, A, Aron, E. N, Tudor, M, & Nelson, G (1991), Close relationships as including other in the self, Journal of personality and social psychology, 60(2), p. 241.
- Brewer, M. B, Hewstone, M. E (2004), Self and social identity, Blackwell publishing.
- Burgess, M. F (2004), Romantic love and relationship satisfaction: The roles of attachment,

caregiving and sexuality.

- Castille, K, Prout, M, Marczyk, G, Shmidheiser, M (2007), The early maladaptive schemas of self-mutilators: Implications for therapy, *Journal of Cognitive Psychotherapy*, 21 (1), p. 58.
- Clark, A. J (2010), Forgiveness: a neurological model, *Medical hypotheses*, 65 (4), p. 649–654.
- Cockram, D. M, Drummond, P. D, & Lee, C. W (2010), Role and treatment of early maladaptive schemas in Vietnam veterans with PTSD, *Clinical Psychology & Psychotherapy: An International Journal of Theory & Practice*, 17 (3), p. 165–182.
- Crane, R. M (2005), Social distance and loneliness as they relate to headphones used with portable audio technology (Doctoral dissertation, Humboldt State University).
- Ehrenberg, M. F, Cox, D. N, & Koopman, R. F, (1991), The relationship between self-efficacy and depression in adolescents, *Adolescence*, 26 (102), p. 361.
- Fontaine, R. G, Yang, C, Burks, V. S, Dodge, K. A, Price, J. M, Pettit, G. S, & Bates, J. E (2009), Loneliness as a partial mediator of the relation between low social preference in childhood and anxious / depressed symptoms in adolescence, *Development and psychopathology*, 21 (2), p. 479–491.
- Freeman, N (1998), Constructive thinking and early maladaptive schemas as predictors of interpersonal adjustment and marital satisfaction (Doctoral dissertation, Rosemead School of Psychology, Biola University).
- Galanaki, E. P, & Vassilopoulou, H. D (2007), Teachers and children's loneliness: A review of the literature and educational implications, *European Journal of Psychology of Education*, 22(4), p. 455.
- Gao, G (2001), Intimacy, passion, and commitment in Chinese and US American romantic relationships, *International Journal of Intercultural Relations*, 25 (3), p. 329–342.
- Goossens, L, Lasgaard, M, Luyckx, K, Vanhalst, J, Mathias, S, & Masy, E (2009), Loneliness and solitude in adolescence: A confirmatory factor analysis of alternative models. *Personality and Individual Differences*, 47 (8), p. 890–894.
- Gurman, A. S, Lebow, J. L, Snyder, D. K (2015), *Clinical handbook of couple therapy*, Guilford Publications.
- Harris, A. E, Curtin, L (2002), Parental perceptions, early maladaptive schemas, and depressive symptoms in young adults, *Cognitive Therapy and Research*, 26(3), p. 405–416.
- Hatfield, E, Rapson, R. L (2010), *The neuropsychology of passionate love*, Psychology of Relationships, Nova Science Publishers.
- Heinrich, L. M, Gullone, E (2006), The clinical significance of loneliness: A literature review, *Clinical psychology review*, 26(6), p. 695–718.

- Hendrick, C, Hendrick, S, (1986), A theory and method of love, *Journal of personality and social psychology*, 50(2), p. 392.
- Hoffart, A, Sexton, H, Hedley, L. M, Wang, C. E, Holthe, H, Haugum, J. A, Holte, A (2005), The structure of maladaptive schemas: A confirmatory factor analysis and a psychometric evaluation of factor-derived scales, *Cognitive Therapy and Research*, 29(6), p. 627–644.
- Horowitz, L. M, French, R. D. S, Anderson, C. A, (1982), The prototype of a lonely person, *Loneliness: A sourcebook of current theory, research and therapy*, p. 183–205.
- Houghton, S, Hattie, J, Carroll, A, Wood, L, Baffour, B (2016), It hurts to be lonely! Loneliness and positive mental wellbeing in Australian rural and urban adolescents, *Journal of Psychologists and Counsellors in Schools*, 26(1), p. 52–67.
- James, I. A, (2014), Schema therapy: the next generation, but should it carry a health warning? *Behavioural and Cognitive Psychotherapy*, 29(4), p. 401–407.
- Junttila, N (2010), Social competence and loneliness during the school years–Issues in assessment, interrelations and intergenerational transmission.
- Leahy, R. L, Tirch, D, Napolitano, L. A (2015), *Emotion regulation in psychotherapy: A practitioner's guide*, Guilford Press.
- Milsom, J, Beech, A. R, Webster, S. D, (2003), Emotional loneliness in sexual murderers: A qualitative analysis. *Sexual Abuse: A Journal of Research and Treatment*, 15(4), p. 285–296.
- Olson, D, DeFrain, J, Skogrand, L (2010), *Marriages and families: Intimacy, diversity, and strengths*, McGraw Hill.
- Rijkeboer, M. M, van den Bergh, H (2006), Multiple group confirmatory factor analysis of the Young Schema–Questionnaire in a Dutch clinical versus non–clinical population, *Cognitive Therapy and Research*, 30(3), p. 263–278.
- Rosse, R. B (2007), *The love trauma syndrome: free yourself from the pain of a broken heart*, Da Capo Lifelong Books.
- Russell, D, Peplau, L. A, Perlman, D (1982), *Loneliness: A sourcebook of current theory, research, and therapy*.
- Sternberg, R. J (1986), A triangular theory of love, *Psychological review*, 93(2), p. 119.
- Skeen, M. (2007). *Schema-focused analysis of Philip care*. Maugham W. Human bondage. California, San Francisco: The Wright Institute, 105, 48–95.
- Tolk, L. S (2006), *Integrating the Enneagram and Schema Therapy: Bringing the soul into psychotherapy*.

- Waller, G, Meyer, C, Ohanian, V (2001), Psychometric properties of the long and short versions of the Young Schema Questionnaire: Core beliefs among bulimic and comparison women, *Cognitive Therapy and Research*, 25 (2), p. 137-147.
- Weiss, R. S (1973), *Loneliness: The experience of emotional and social isolation*.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. Guilford Press.
- Young, J. E. (2008). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*, Rev. Professional Resource Press /Professional Resource Exchange.
- Young, J. E. (2011). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*, Rev. Professional Resource Press /Professional Resource Exchange.
- Young, J. E, Klosko, J. S, Weishaar, M. E (2013), *Schema therapy: A practitioner's guide*, Guilford Press.